Archive of SID

فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی/ سال پانزدهم/ شماره پنجاه و هفت/ پاییز ۹۸/ صفحات ۳۰-۱۱

کاستی‌های اجرای بانکداری اسلامی در ایران با محوریت بایسته‌های آموزش و پژوهش فقهی[1]

محمدرسول آهنگران*

چکیده

امروزه ضرورت اجرای بانکداری اسلامی بر کسی پوشیده نیست چراکه اهمیت تأثیر عملکرد بانک‌ها و نقش بسیار مهم آن در تمام بخش‌های اقتصادی آنقدر است که به طور مسلّم رفتار اقتصادی آحاد جامعه زمانی حقیقتاً دینی خواهد بود که بانکداری به شیوه‌ی شرعی عمل نموده و بر پایه‌ی موازین فقهی تنظیم شود. تلاش‌هایی که تاکنون در این راستا صورت گرفته، هر چند قابل توجه و درخور تقدیر است ولی با چالش‌هایی در زمینه‌ی آموزش احکام و مسائل فقهی روبروست؛ چالش‌هایی چون سطحی‌بودن آموزش‌ها، عدم اهتمام در فراگیرکردن آموزش‌ها، سلیقه‌ای عمل‌کردن و فقدان مبنای مستحکمی که بر روی پایه‌های فکری و فلسفی قوی و منسجم استوار باشد، به طوری که گاه در برخی از دوره‌ها جدّیت در راستای پیاده-کردن بانکداری اسلامی کاملاً محسوس بوده و سخن‌ها حکایت از یک عزم جدی به منظور اجرای کامل بانکداری بر طبق موازین شرعی دارد و گاه در برخی دوره‌ها، هیچ تلاشی در این راستا صورت نمی گیرد. این امر در بخش سرمایه‌گذاری در پژوهش‌های مربوط به این حوزه نیز به همین صورت است؛ گاه حجم قابل توجهی از سرمایه برای این مهم اختصاص می یابد و گاه سرمایه‌گذاری به منظور پژوهش در این زمینه به حداقل ممکن می‌رسد؛ بنابراین آموزش مسائل فقهی در حوزه‌ی بانکداری به صورت عمیق و فراگیر به همراه اهمیت‌دادن به امور پژوهشی، می‌بایست بر پایه مبنایی ثابت و لایتغیر استوار شود و به صورت مستمر درآمده و شکل یک خط صعودی و ممتد را بگیرد و تنها در این صورت است که در کنار رفع مشکلات دیگر می‌توان امید به اجرایی‌شدن اقتصاد اسلامی را به نحوی داشت که قراردادهای بانکی از حالت صوری خارج شود.

کلید واژه‌ها: بانکداری، موازین فقهی، آموزش، پژوهش، کاستی‌ها، بایسته‌ها.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۱۱

* استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، ایران (نویسنده مسؤول)
ahangaran@ut.ac.ir

www.SID.ir

Archive of SID

۱- مقدمه

یکی از ویژگی‌های دین مبین اسلام که آن را از بسیاری ادیان تحریف شده و مکاتب خود ساخته بشری جدا و ممتاز می‌نماید عبارت است از نگاه واقع‌بینانه به انسان، نیازها و شرایطی که محیط او را می-سازد و توجه به رفتار عقلانی حاکم بر وی است (سیزده دانشمند و اقتصاددان مسلمان، ۱۳۷۵، ۸۳).

از نقطه نظر اسلام، هدف از خلقت انسان عبارت است از رسیدن به کمالات معنوی و این در حالی است که رسیدن به این نوع کمالات، بدون وجود شرایط هماهنگ و در راستای آن غیرممکن است. انسان زمانی می تواند در ارتباط با خدای متعال قرار گیرد و به حیات معنوی برسد که همه بخش‌های زندگی او با این هدف و غرض همسو و هم جهت باشد. بنابر برنامه‌ریزی صورت گرفته در قالب دین اسلام، متغیرها به‌گونه‌ای تعریف و تعیین گردیده که اگر جابه‌جایی در آن صورت نگیرد، کاملاً هماهنگ با یکدیگر عمل خواهند نمود و رسیدن به اهداف والا، تنها و تنها معلول این هماهنگ عمل‌کردن متغیرها می‌باشد.

مهمترین شرایط تأثیرگذار که اگر آن را به عنوان مؤثرین عوامل تعبیر کنیم، سخن گزاف و دور از واقعی نیست و آن عبارت است از شرایط و زمینه‌های اقتصادی (میرمعزی، ۱۳۸۶، ۶۱). رسیدن به اهداف مطلوب معنوی زمانی ممکن است که وضعیت اقتصادی با آن همسو و هم جهت باشد و تنها در این صورت است که هدف شارع مقدس اسلام از خلقت انسان قابل تأمین خواهد بود. تفاوت مهمی که میان اسلام با ادیان تحریف شده و مکاتب بشری وجود دارد این است که در این شریعت زندگی معنوی از تفکر، باورها، محیط زندگی، روابط اجتماعی، شکل حاکمیت سیاسی و بالأخره شرایط اقتصادی جدا نیست. در اسلام حیات دینی به تمام تار و پود زندگی گره خورده است و یک پیوند ناگسستنی دارد بنابراین وقتی به یک شخص می‌شود گفت دیندار و مسلمان که تمام برنامه‌های زندگی او در تمام جوانب بر اساس مقررات شرعی باشد.

یکی از مهمترین بخش‌های اقتصاد که اگر از آن به عنوان تأثیرگذارترین بخش یاد شود، سخن گزافی نیست، بخش بانکداری می‌باشد و نظر به اهمیت آن از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش‌های فراوانی در راستای اعمال اصلاحات و انطباق آن با موازین شرعی صورت گرفته است. این مقاله با اذعان به قابل تقدیر بودن این تلاش‌ها، در صدد است تا در جهت بهبود و ارتقا در سطح اقدامات انجام گرفته، به نکاتی توجه دهد که امعان درخور نسبت به آن، موجب می‌شود تا اهداف و برنامه‌های شارع مقدس اسلام در این بخش بهتر و دقیقتر رعایت گردد.

www.SID.ir

Archive of SID

در خصوص پیشینه تحقیق لازم به ذکر است که مقاله، کتاب و پژوهشی با رویکرد مقاله دریافت نگردید.

۲- طرح مسأله

مسائل مورد بحث در مقاله حاضر عبارتند از اینکه اهمیت اجرای بانکداری اسلامی چیست؟ پژوهش و تحقیق در این زمینه چه ضرورتی دارد؟ چه ضرورت‌هایی در زمینه آموزش بانکداری اسلامی وجود دارد و میزان اهتمام و توجه به این امر تا چه میزانی باید باشد؟ بایسته‌هایی که در زمینه آموزش می بایست مورد توجه قرار گیرد چیست؟ پیامدهای عدم توجه و اهتمام لازم به مسأله آموزش چیست؟ مقولات بانکداری اسلامی غالباً از چه سنخ اموری بوده و توجه به این امر، اقتضای چه نحوه آموزشی را می نماید؟ چرا مسائل مربوط به این حوزه بیشتر از آنکه به صورت واقعی جلوه نماید دارای چهره صوری و نمود ظاهری می‌باشد؟ اگرچه به منظور پاسخ کامل به این سؤالات نیازمند به تألیف کتاب مفصلی است و جمع کردن چندین مبحث در قالب مقاله کار دشواری است، ولی تلاش اکید این مقاله این است که به صورت فشرده به اصلی ترین نکات در زمینه پاسخ به این سؤالات بپردازد و درصدد است تا به اصلی‌ترین سؤال در این زمینه بپردازد و اصلی‌ترین مسأله این است که جدی‌ترین اشکال در زمینه آموزش و پژوهش که باعث اختلال در اجرایی‌شدن بانکداری اسلامی شده چیست؟

۳- ضرورت اجرای بانکداری همگون با موازین فقهی

اهمیت و جایگاه بانک‌ها در بخش‌های مختلف اقتصاد آنقدر است که می‌توان نقش آن را بسان نقشی که قلب در میان اعضای مختلف بدن انسان دارد تشبیه نمود و چنانکه قلب با پمپاژکردن خون را به تمام بدن می‌رساند، بانک نیز شبیه همین نقش را داشته و موجب حیات، پویایی و ربط بخش‌های مختلف اقتصادی می‌شود.

حال جای این سؤال است که مسائل مربوط به چنین بخشی با این اهمیت را باید بنابر آنچه بشر با توان محدود خود در تشخیص دارد حل و فصل نمود و یا در این زمینه به برنامه‌های وحیانی گردن نهاد؟

در پاسخ باید گفت انسان موجودی است که توسط خداوند متعال آفریده شده است؛ هر موجودی را به بهترین شکل سازنده آن از آن اطلاع و آگاهی کامل دارد مانند وسیله‌ای که شرکتی آن را تولید می‌نماید،

www.SID.ir

Archive of SID

قطعاً شرکت تولیدکننده از پدیده‌ای که خود آن را به وجود آورده کامل‌تر و دقیق‌تر از هر جا و شخص دیگر است. این در حالی است که پیچیدگی‌های این موجود مورد اعتراف همه صاحب‌نظران در بخش‌های مختلف حوزه‌های علوم انسانی است. شاهد نارسایی افکار بشری با وجود سعی و تلاش فراوان، اینکه در هر گرایشی از میان علوم مختلف انسانی، نظرات متفاوت آنقدر زیاد است که به آسانی نمی‌توان آنها را مورد احصاء و شمارش قرار داد (آقانظری، ۱۳۸۶، ۷). این اختلاف انظار و مکاتب و دیدگاه‌ها در هر حوزه‌ای به صورت آشکار دیده می‌شود و این اختلافات آنقدر است که اگر گفته شود نظریه‌ای در هیچ حوزه علوم انسانی توسط افکار بشری تولید نشده مگر اینکه، نظریه مخالف و به اصطلاح آنتی‌تز آن نیز مطرح شده است، سخن گزافی نیست (فروند، ۱۳۷۲، ۸). بر این اساس قوانین در تمام کشورها تغییرپذیر است، زمانی بر اساس تشخیص عده‌ای از صاحب‌نظران و تبعیت از یک دیدگاه، قانونی وضع می‌شود ولی در زمان دیگر با ملاحظه تبعات منفی و مشکلات، قانون وضع شده مورد نسخ و تغییر قرار می‌گیرد.

قوانین و مقررات مربوط به حوزه‌های اقتصادی و به خصوص بانکی نیز از این قاعده مستثنی نیست و صاحب‌نظران در این زمینه‌ها دارای اختلاف دیدگاه‌های فراوان بوده و این اختلاف دیدگاه‌ها موجب تفاوت در مقررات گوناگون اقتصادی می‌شود. هر مکتب اقتصادی مقررات و برنامهٔ خاصی را مطرح می‌نماید؛ مکاتبی چون مکتب سوداگرایی، مکتب اصالت طبیعت، مکتب اخلاق گرایی اقتصادی، مکتب اتریش، مکتب ویرجینیا، مکتب استکهلم، مکتب لیبرالیسم، مکتب شیکاگو، مکتب نهائی‌گرایی، مکتب تاریخی، مکتب کلاسیک و مکتب نئوکلاسیک که البته این مکتب با انتقادات و اصلاحاتی که جان مینارد کینز[1] در آن اعمال نمود، در نظریات نئوکلاسیک‌ها تعدیلات فراوانی در مباحث مربوط به اقتصاد کلان صورت گرفت (یادی‌پور، ۱۳۸۹، ۹۳-۹۱) و مکاتب فراوان دیگر.

بنابراین با توجه به اهمیت و نقش بی‌بدیل بانک‌ها از یک سو و از دیگر سو با توجه به اینکه اگر در بخش‌های دارای اهمیت کمتر می‌بایست وضع قانون را به خالق و آفریننده هستی سپرد، قطعاً و به طریق اولی در این بخش باید مطابق با قوانین و مقررات شرعی عمل نمود و اجازه نداد تا قوانینی مطابق با فهم بشری با وجود اختلاف نظراتی هم که در فهم‌های بشری وجود دارد تهیه و تنظیم شود. بهترین قانون‌گذار در این حوزه نیز کسی است که خالق و آفریننده انسان است و به صورت کامل نسبت به مصالح و مفاسد او آگاهی دارد و هیچگاه نفع شخصی در مورد او امکان موضوعیت پیدا کردن ندارد؛ بدین ترتیب ضرورت

1- John Maynard Keynes

www.SID.ir

Archive of SID

اجرایی کردن مقررات شرعی در تمام بخش‌ها به ویژه بخش‌هایی مانند سیستم بانکی که بیشترین تأثیر و نقش را داراست، روشن می‌شود.

امروزه با ملاحظه مشکلات متعدد اقتصادی و به‌خصوص توجه به بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌های رو به تضاعف، می‌بایست بهتر از هر زمان دیگر مشخص شده باشد که اگر تصمیمات اقتصادی بر اساس مقررات و برنامه‌ریزی بشری انجام شود نتیجه‌ای جز این برایش نیست و بالأخص وقتی ملاحظه می‌گردد که جدیدترین بحران جهانی که در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ رخ داد، از مشکلی در وضعیت بانک‌ها موسوم به کاهش میزان نقدینگی در سیستم بانکی و اعتباری، نشأت گرفت از یک سو ضرورت توجه جدی به جایگاه بانک‌ها روشن می‌شود و از سوی دیگر مشخص می‌شود که اگر زمام امر در این بخش به دست بشر باشد و به مقررات شرعی پشت پا زده شود، چه خطرات جدی‌ای دنیای(تا چه رسد به آخرت) انسان‌ها را تهدید می‌کند. این ملاحظات می‌بایست همگان را به این باور سوق دهد که عقل بشری نمی‌تواند خلأ نیاز به مبدأ وحیانی را پر کند و برای داشتن لااقل دنیایی به دور از بحران‌ها و مشکلات طاقت فرسا، تسلیم در برابر برنامه‌های الهی امری اجتناب‌ناپذیر است.

۴- ضرورت آموزش احکام فقهی

ضرورت و لزوم یادگیری در کلیه مسائل شرعی امری است که مورد تأکید در شریعت مقدس اسلام بوده و در فتاوی فقیهان بزرگ منعکس شده است، چنانکه صاحب عروه در مسأله بیست و نهم اظهار داشته: « بل یجب تعلم حکم کل فعل یصدر منه سواء کان من العبادات او المعاملات او العادیّات» (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۴، ۱، ۲۱)؛ ترجمه: بلکه یادگیری کلیه اعمالی که از مکلّف سر می‌زند، اعم از عبادات، معاملات و امور عادی واجب است؛ لزوم و ضرورت یادگیری در مورد مسائلی که نیازمندی به یادگیری به خاطر وجود پیچیدگی، بیشتر در آن احساس می‌شود، مورد تأکید بیشتر است، به عنوان نمونه در مورد مسائل شک و سهو در نماز فتوای فقیهان این است که یادگیری آن واجب است (امام خمینی، ۱۳۸۰، ۱، ۹؛ خوئی، ۱۴۱۲، ۴) و در این مسأله فتوای شیخ اعظم انصاری این است که « تحصیل آنها بر او واجب است و اگر ترک واجب کند عمداً فاسق است» (انصاری، ۱۳۷۳، ۱۷۵) در دلیل و علت وجوب یادگیری مسائل شک و سهو در فتاوی برخی فقیهان آمده: «لئلا یقع فی مخالفه الواقع» (خوئی، ۱۴۱۰، ۱، ۸) و این بدان معناست که اگر این مسائل مورد یادگیری قرار نگیرد، مخالفت با دستورات شرعی امری گریزناپذیر

www.SID.ir

Archive of SID

خواهد بود؛ ترک یادگیری چنانکه در مسائل شک و سهو موجب واقع‌شدن در مخالفت با دستورات شرعی می‌شود، در مسائل مربوط به کلیه بخش‌های اقتصادی و به خصوص در بخش بانکداری نیز به همین منوال است و عمل بر طبق دستورات شرعی در این بخش هم منوط به آموزش کافی و در عین حال فراگیر نسبت به تمام کسانی است که در ارتباط با آن قرار می‌گیرند، از این رو در روایات فراوانی توصیه شده که در زمینه مسائل اقتصادی اول تعلم و یادگیری صورت گیرد و سپس مبادرت به کار اقتصادی شود؛ این امر در منابع شرعی نیز مورد تأکید فراوان قرار گرفته که به عنوان نمونه می‌توان به روایات زیر توجه نمود :

الف) مردی به امیر المؤمنین حضرت علی علیه السلام عرض کرد: در پی کسب و کار هستم. فرمود: آیا از احکام دینی خود، اطلاع داری؟ گفت: پس از کار، چنین خواهم کرد. حضرت فرمود:« وَیْحَکَ الْفِقْهُ ثُمَّ الْمَتْجَرُ، فَانّهُ مَنْ باعَ وَاشْتَری وَلَمْ یَسْأَلْ عَنْ حَرامٍ وَلاحَلالٍ ارْتَطَمَ فِی الرِّبا، ثُمَّ ارْتَطَمَ» (نوری، ۱۳۷۹، ۱۳، ۲۴۷).

ترجمه : مواظب باش اول آموختن فقه (احکام معاملات و مسائل شرعی اقتصادی) آنگاه تجارت چراکه اگر کسی خرید و فروش کند و از احکام حلال و حرام آن کسب آگاهی نکند به دفعات و کرات در ربا غوطه‌ور خواهد شد

ب) امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرماید: « مَنْ ارادَ التِّجارَةَ فَلْیَتَفَقّه فی دینِهِ لِیَعْلَمَ بِذلِکَ مایَحِلُّ لَهُ مِمّا یَحْرُمُ عَلَیْهِ وَ مَنْ لَمْ یَتَفَقّه فی دینِهِ ثُمَّ اتّجَرَ تَوَرّطَ الشُّبُهاتِ »(حر عاملی،۱۲،۲۸۳،۱۳۶۹).

ترجمه:

هر که می‌خواهد تجارت کند باید با مسائل دینش آشنا شود، تا حلال و حرام را از هم بازشناسد و کسی که قبل از فراگیری احکام دینش، داد و ستد نماید، در کارهای شبهه‌ناک غوطه‌ور خواهد شد

ج) اصبغ بن نباته می‌گوید: از امیرالمؤمنین علی علیه السلام شنیدم که بالای منبر می‌فرمود: «یَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ اَلْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجَرَ الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجَرَ وَاللهِ لَلرِّبَا فِی هَذِهِ الْاُمَّةِ دَبِیبٌ اَخْفَی مِنْ دَبِیبِ النَّمْلِ عَلَی الصَّفَا» (طوسی، ۱۳۶۵ ،۶،۷).

ترجمه: ای صنف تاجر و کاسب اوّل فقه بعد تجارت اوّل فقه بعد تجارت، به خدا سوگند، ربا در این امّت جنبنده‌ای است که [حرکتش] مخفی‌تر از [اثر] حرکت مورچه بر سنگ صاف می‌باشد.

www.SID.ir

Archive of SID

در روایات فوق برای کسی که مبادرت به کار اقتصادی می‌پردازد لازم دانسته شده که قبل از شروع به آن احکام شرعی در این زمینه را بیاموزد و آنگاه به سراغ فعالیت اقتصادی و تجارت برود. در هر سه روایت ملاحظه می‌گردد که از واژه «فقه» استفاده شده که مناسب است معنای آن مورد توضیح قرار گیرد.

جوهری در کتابش به نام صحاح این کلمه را این طور معنا می‌کند:

الفقه: الفهم. قال أعرابی لعیسی بن عمر: "شهدت علیک بالفقه". تقول منه: فقه الرجل، بالکسر. وفلان لا یفقه ولا ینقه. وأفقهتک الشیء (جوهری، بی‌تا، ۶ ، ۲۲۴). در تعریف این لغت‌شناس که کتاب لغت او جزء اولین و مهمترین منابع لغت در زبان عربی است، واژه فقه مترادف فهم ذکر شده است.

لغوی دیگر به نام فیروزآبادی که نام او نیز جزء لغت‌شناسان طراز اول در زبان عربی قرار دارد، در کتاب قاموس خود درباره این کلمه اظهار می دارد:

الفقه بالکسر: العلم بالشئ والفهم له والفطنه (فیروزآبادی، ۱۳۰۸، ۴ ۲۸۹) در تعریف فیروزآبادی ملاحظه می‌گردد که کلمه فقه به معنای فهمیدن و زیرکی‌کردن معنا گردید. واژه فقه در قرآن کریم به معنای تدبر، تعمق و فهم عمیق به کار رفته است (سوره‌های مبارکه منافقون آیات ۳ و ۷ ، انعام ۶۵ و ۹۸، اسراء ۴۴ و ۴۶).

بنابراین کلمه فقه به معنای آشنایی ابتدایی و سرسری نیست بلکه یک آشنایی عمیق و همراه با فهم و دقت، مفهوم و به اصطلاح موضوع‌له آن را تشکیل می‌دهد (عاملی، ۱۴۱۲، ۱۶). در مورد آشنایی با احکام تجاری و اقتصادی اسلام به دلیل ظرافت آن از این واژه استفاده شده است؛ به کار گرفتن واژۀ فقه در بیان لزوم یادگیری احکام مزبور، کاملا گویای این مطلب است که یادگیری مورد انتظار شارع مقدس اسلام نسبت به وظایف مقرره در زمینه‌ی امور اقتصادی، نیازمند به إعمال دقت و تعمق بوده و ممکن نیست که بدون توجه و دقت لازم، بتوان از آنها آگاهی پیدا کرد. از این رو به منظور بیان ضرورت دقت در امر یادگیری و بیان اهمیت آن، در روایت سوم یادگیری همراه با دقت با تکرار ذکر شد و نیز اینکه در این روایت علاوه بر اینکه لزوم یادگیری با تکرار آمده، در قالب یک تمثیل بیان گردید که مسائل شرعی مربوط به ربا از چنان ظرافتی برخوردار است که برای پی بردن به آن، دقت، فهم و تلاش فراوان لازم است.

بنابراین در مورد لزوم اهتمام به آشنایی با احکام شرعی در امور اقتصادی به طور کلی و احکام ربا بالخصوص تأکیدهای فراوانی در منابع فقهی صورت گرفته ولی با این وجود در مقام عمل و اجرا، توجه

www.SID.ir

Archive of SID

کافی به این امر صورت نگرفته که بایسته‌ها و کاستی‌ها در این زمینه در پایین مورد توضیح بیشتر قرار می‌گیرد.

۵- بایسته‌ها و کاستی‌های آموزش احکام فقهی

احکام شرعی بر دو قسم است : احکام تکلیفی و احکام وضعی؛ احکام تکلیفی مانند وجوب، حرمت و سه قسم باقیمانده که موضوع آن کلیه اعمال و رفتار انسان‌هایی است که در شرایط تکلیف قرار دارند؛ هیچ رفتاری در هیچ زمینه‌ای نیست مگر آنکه موضوع یکی از احکام پنجگانه را تشکیل می‌دهد. در حوزۀ بانکداری نیز هیچ رفتاری نیست مگر آنکه موضوع یکی از احکام تکلیفی است. آموزش در این زمینه می-بایست به صورت فراگیر و کامل صورت گیرد و علاوه بر کارمندان بانک‌ها، به نوعی عموم مراجعه کنندگان نیز می‌بایست از آن بهره‌مند شوند.

و اما قسم دوم احکام که عبارت است از احکام وضعی، آشنایی در مورد آن کمتر بوده و ضرورت یادگیری در مورد آن بیشتر است و این در حالی است که آموزش در زمینه احکام وضعی نیازمند به دقت و توجه بیشتر است. به عنوان نمونه قرارداد قرض یکی از احکام وضعی می‌باشد و یا قرارداد عاریه و نیز سایر قراردادها؛ در عرف افراد ناآشنا قرارداد قرض با قرارداد عاریه متفاوت و جدا از یکدیگر دیده نمی‌شود بلکه تصور یکسانی در مورد این دو نوع قرارداد وجود دارد؛ چنانکه از عاریه در استعمال عرفی به قرض تعبیر می‌شود و همینطور نسبت به باقی قراردادها و احکامی مانند آن، بی‌اطلاعی‌ها فراوان است.

در تصور معمول مراجعان و تا حدودی متصدیان بانک‌ها این است که تفاوت میان انواع قراردادها تنها در اسم و عنوان است و توجه به تفاوت جوهری آنها صورت نمی‌گیرد چراکه تفاوت جوهری زمانی روشن می‌شود که توجه به ماهیت حقوقی و به اصطلاح اعتباری صورت گیرد و چون از این زاویه به این مسائل نگریسته نمی‌شود، تصور درستی نسبت به تفکیک انواع قراردادها و احکامی از این قبیل وجود ندارد.

در اینجا به نظر می‌رسد توضیح مختصری در مورد امور اعتباری لازم است تا هر چند این مقدار از توضیح کافی نیست ولی برای آشنایی اولیه ضرورت دارد تا اینکه لااقل با این مقدار از بیان این مطلب روشن شود که چه سنخ آموزش و با چه مقدماتی می‌بایست این کار صورت گیرد.

در یک تقسیم‌بندی حقایق عالم بر دو قسم است: قسم اول: امور نفس‌الامری یا غیرفرضی قسم دوم : امور اعتباری یا فرضی.

www.SID.ir

Archive of SID

قسم اول : امور نفس‌الامری که بر سه قسم است:

الف) موجودات خارجی: موجودات خارجی مستقل از فرض و لحاظ بوده و قوام آنها وابسته به فرض نمی‌باشد. یعنی چه وجود آنها مورد پذیرش قرار گیرد و یا از سوی شخصی مورد انکار واقع شود، در واقعیت داشتن آنها تأثیری ندارد؛ موجودات خارجی دو نوعند : موجود خارجی بدون ماهیت که تنها مصداق آن خداوند متعال است و موجودات خارجی دارای ماهیت که خود بر دو قسم است: ۱- موجودات دارای وجود جوهری ۲- موجودات دارای وجود عرضی.

ب) رتبه ذات ماهیات: این قسم از امور نفس‌الامری وجود و حقیقتی مستقل از فرض دارد مانند حیوان ناطق که تعریف و ذات انسان را تشکیل می‌دهد. حقیقت حیوان ناطق مستقل از فرض ماست. یعنی چنین نیست که فرض شود حقیقت انسان از حیوان و ناطق تشکیل شده بلکه این امر واقعیتی است که وابسته به فرض نیست.

ج) امور انتزاعی: این امور مستقل از فرض است لکن تبعی است و وجود فارغ از انتزاع ندارد یعنی با تحقق منشأ انتزاع آن به وجود می آیند. امور انتزاعی وجودی جدا از منشأ انتزاع ندارند بلکه با تحقق منشأ، عقل انسان این امور را برداشت یا انتزاع می نماید. به عنوان نمونه مفهوم عالم (دانا) یک امر انتزاعی است؛ عقل وقتی احراز کرد که علم به چیزی برای شخصی پیدا شد، عالم‌بودن آن شخص را انتزاع می‌کند. عالم دارای واقعیت خارجی و مستقل از فرض و لحاظ است و در خارج وجود جدا از منشأ انتزاع ندارد. یعنی چنین نیست که در خارج سه چیز وجود داشته باشد: ۱- علم ۲- انسان ۳- عالم؛ بلکه در خارج فقط دو حقیقت وجود دارد که آن دو عبارتند از علم و انسان و این ذهن و عقل انسان است که عالم بودن شخص را از این دو برداشت می‌کند.

بنابراین امور انتزاعی جنبه فرضی نداشته بلکه به خاطر تحقق منشأ انتزاع، ریشه در واقعیت خارجی و مستقل از ذهن ما دارد به گونه‌ای که اگر منشأ انتزاع محقق شود، ذهن آن را انتزاع می‌کند. امور بدیهی که اموری است بی‌نیاز از دلیل و استدلال نیز از امور انتزاعی می‌باشداز امور انتزاعی می‌باشد؛ مانند مفهوم استحاله یا محال بودن که عقل وقتی مفهومی نظیر اجتماع نقیضین را تصور می‌کند، از آن مفهوم فوق (استحاله) را انتزاع می‌کند. امور بدیهی نیز از امور نفس‌الامری بوده و عقل به نحو بدیهی و قطعی آن را درک می‌نماید. این امور وابسته به فرض نیست و دارای یک حقیقت مستقل از فرض و لحاظ می-باشد(خویی، ۱۳۶۹، ۲، ۳۸۱؛ مؤمن، ۱۴۱۹، ۳۴۶-۳۴۵).

www.SID.ir

Archive of SID

قسم دوم: امور اعتباری: آنچه به فرضِ فرض‌کننده و اعتبارِ اعتبارکننده وابسته می‌باشد، امور اعتباری نامیده می‌شود. این امور با فرض و اعتبار در ذهن به وجود می‌آید و تا مادام که مورد لحاظ و توجه در ذهن باشد، تحقق خواهد داشت مانند درختی که در ذهن خود فرض می کنیم. اگر لحظه‌ای توجه خود را از آن برداریم دیگر این درخت موجود نخواهد بود. این امور دارای دو نوعند:

امور اعتباری دارای منشأ خارجی و اثر عقلائی مانند فرض و اعتبار علائم راهنمایی و رانندگی وامور اعتباری بدون منشأ خارجی و اثر عقلائی مانند فرض و اعتبار موجودی مانند اژدها و یا موجودات عجیب و غریب که تصور آن در ذهن هیچ فایده و اثری ندارد.

عقود و قرار دادهای حقوقی از قسم امور اعتباری دارای اثر عقلائی است. یعنی عقد و قرداد از حیث وجود و حقیقت به فرض و اعتبار قانون‌گذار وابسته است (عراقی، ۱۴۲۱، ۵۹۶؛ خویی، ۱۴۱۴، ۱، ۲۴۲؛ بجنوردی، ۱۴۱۹، ۷، ۶۱؛ امام خمینی، ۱۳۷۹، ۴، ۴۱). این امور فرض می‌شود تا روابط اجتماعی را در قالب منظم قرار دهد و از بی‌نظمی و هرج و مرج جلوگیری کند. بنابراین قراردادها در زمره امور اعتباری عقلایی می‌باشد.

حال با توجه به اعتباری بودن عقود و لزوم اراده انشایی و فرضی که از آن به قصد یاد می‌شود، اگر قصد به معنای مزبور منتفی گردد، به تبع آن عقد نیز منتفی می‌گردد؛ چراکه عقد از امور اعتباری است و با نفی قصد، عقد نیز منتفی می‌شود. لذا قصد رکن اصلی عقد به شمار می‌آید (مکارم، ۱۴۱۱ ،۳۷۳).

از این توضیحات روشن می‌گردد که عقد از امور اعتباری است که در حقیقت و وجود خود نیازمند به رکنی به نام قصد است. در واقع با توجه به اینکه حقیقت هر قراردادی را چیزی جز قصد تشکیل نمی‌دهد، تابعیت عقد از قصد به حکم عقل است و ممکن نیست امری که حقیقتش را فرض تشکیل می دهد با انتفاء مقوّم آن، قابلیت وجود پیدا کردن را داشته باشد (آهنگران، ۱۳۹۲، ۱۶۲).

بنابراین برای انعقاد هر قراردادی مراجعه کننده به بانک از یک سو و از دیگر سو متصدی بانک می-بایست امور انشایی را به درستی بشناسد و با توجه به ضرورت قصد در تحقق آن و با توجه به معنای قصد در اینجا که همانا اعتبار و انشاء است، ماهیت حقوقی قراردادی که در صدد انعقاد آن است به درستی شناخته و معنایی که حقیقت آن را تشکیل می‌دهد را در ذهن خود حاضر کند نه اینکه صرفاً از یک قرارداد نام برده شود و تنها مبادرت به امضای فرم‌هایی که در بانک‌ها متداول است شود.

www.SID.ir

Archive of SID

ترتب آثار و احکام هر قراردادی نیز تابع قصد آن قراداد است یعنی آثار هر عقدی تابع انشائی است که طرفین قرارداد انجام می‌دهند؛ لذا اگر فرد مراجعه کننده به بانک، به منظور حفظ اموال و دارایی‌های خود، قصد انعقاد قرارداد ودیعه را داشته باشد، پس از ایجاد قرارداد مزبور، آثار و احکام خاص این قرارداد محقق می‌شود و نمی‌توان آثار و احکام قرارداد دیگری همچون قرض را جاری نمود؛ احکامی مانند تصرف و به جریان‌انداختن مبلغ مورد ودیعه و این در حالی است که از یک سو در موارد زیادی مراجعه کنندگان به بانک‌ها، به صورت ارتکازی قرارداد ودیعه را در نظر دارند و معنایی که ماهیت حقوقی این قرارداد است را قصد می‌کنند ولی فرم‌های مربوط به قرارداد دیگری را امضاء کرده و با وجود قصد ودیعه از سوی سپرده-گذار، وجه مستودع مورد تصرف قرار گرفته و در جریان معاملات مالی گذاشته می‌شود و از دیگر سوی هیچ تردیدی در اینکه اثر و حکم قرارداد ودیعه عبارت از عدم جواز هر نوع تصرفی، وجود ندارد. با روشن‌شدن اعتباری بودن قراردادها و اینکه اعتبار امری است ذهنی، باید کاملاً مفهوم یک قرارداد را شناخت تا مکلف بداند چه معنایی را در ذهن خود حاضر کند. آموزش‌ها باید به گونه‌ای باشد که افراد را کاملاً به حقیقت انواع قراردادها آشنا کند ولی در موارد فراوان ملاحظه می‌گردد که این مهم اتفاق نمی‌افتد و آگاهی‌ها نسبت به این امور جزئی و بسیار سطحی است.

با توجه به آنچه در بالا از نظر گذشت مبنی بر اینکه احکام هر قراردادی تابع قصد و تصور معنایی است که ماهیت حقوقی آن را تشکیل می‌دهد، اهمیت و جایگاه تعیین کننده این نوع آموزش بیشتر روشن می‌شود. احکام قراردادها با یکدیگر متفاوت است برای مثال حکم قرارداد ودیعه با قرارداد قرض و همین طور با مضاربه و سایر قراردادها فرق می‌کند و نیز شرایط هر یک متفاوت است؛ این تفاوت‌ها از تفاوت در نوع و چگونگی قراداها حاصل می‌شود و آنهم تابع معنای ذهنی‌ای است که ماهیت یک قرارداد را در ذهن تشکیل می‌دهد. اگر آموزش ها کامل و دقیق نباشد، این تفاوت ها دیده نمی‌شود و این موجب می‌شود تاعلاوه بر اینکه جهات شرعی رعایت نشود، سؤالات و اشکالات زیادی مطرح گردد و توجه به فرقی که در ماهیت قرادادها وجود دارد صورت نگیرد و تفاوت بین احکام و مسائل شرعی را فقط بازی با الفاظ انگاشته شود. این اشکالات و شبهات به خاطر کوتاهی در آموزش ریز و نکات دقیق است که در صورت انجام ،این اشکالات مرتفع می‌گردد.

امور اعتباری مانند امور حقیقی که در خارج از ذهن ما قابل حس و لمس است نیست بلکه به دلیل ذهنی بودن آنها نیازمند به دقت است. از نگاه بیرونی یک پدیده‌ی خارجی اتفاق می‌افتد ولی از نقطه نظر

www.SID.ir

Archive of SID

ذهنی به دلیل امکان فرض‌های مختلف در مورد یک پدیده در عالم ذهن، آنچه اتفاق افتاده یک پدیده نیست و می‌تواند دارای انواع و اقسام باشد که این انواع و تفاوت‌های میان آنها کاملاً ذهنی است؛ به عنوان مثال شخصی که به بانک مراجعه می‌کند و پولی را در اختیار متصدی بانک قرار می‌دهد، این یک عمل که در خارج اتفاق می‌افتد می‌تواند مصداق قراردادهای مختلف باشد؛ قرض، وکالت، مضاربه و ..؛ این تفاوت‌ها کاملا ذهنی است و از نقطه‌نظر آنچه در خارج رخ می‌دهد، هیچ تفاوتی وجود ندارد و اصلا بنا به فرض یک عمل بیشتر نیست و در مورد یک عمل طرح تفاوت بی‌معناست. در نتیجه احکام و موضوعات شرعی به دلیل ذهنی بودن و غیرملموس‌بودن آن نیازمند به توجه و دقت است و این امر روشن است که پی بردن به آنچه به دور از ابزار حس قرار دارد مشکل است و برای درک محتاج به تأمل و ریزبینی است البته چنانکه در بحث های بعد نیز ملاحظه خواهد شد ذهنی و فرضی‌بودن احکام شرعی به معنای خیالی و غیرواقعی بودن آنها نیست بلکه اگرچه حقیقت احکام و موضوعات شرعی را فرض و اعتبار تشکیل می‌دهد ولی این فرض ها از ملاک و مناط‌های واقعی ناشی شده و موجب یک سری تأثیرات واقعی می‌گردد. منظور از این سخن این است که احکام شرعی از آن سنخ امور اعتباری عقلایی است و این سنخ امور برخاسته از تکوین و دخیل در تکوین است؛ به این معنا که از ملاک و علتی برخاسته شده و بی‌جهت و بی‌دلیل نیست و دخیل بودن در تکوین آن به این معناست که باعث نقش و تأثیر در عالم خارج است.

۶- صوری جلوه‌کردن بانکداری اسلامی نتیجه کاستی‌ها در آموزش

با سطحی‌شدن آموزش در حوزه‌ی بانکی، قراردادهای مختلف بانکی در قالب عملیات بانکداری اسلامی، به شکل صوری و غیرواقعی انجام می‌شود و هزینه‌های زیادی صرف می‌گردد تا بانک‌ها به شکل شرعی و منطبق بر موازین فقهی عمل کنند؛ در حالی‌که فقط یک تفاوت ظاهری و اسمی رخ خواهد داد و آنچه در شریعت موید نظر است اتفاق نمی‌افتد؛ برای نمونه در بحث حیل ربا این نکته قابل توجه است؛ معامله‌ای که به موجب فرار از ربا محقق می‌شود باید مورد قصد طرفین باشد بدین معنا که معنایی که حقیقت قرارداد را تشکیل می‌دهد باید فرض شود تا معامله از این ناحیه دارای اشکال نباشد. علاوه بر وجود قصد اصل معامله و قرارداد، رضایت نسبت به معامله به عنوان رکن دیگر لازم است. اگر طرفین قرارداد در معامله‌ای که به قصد فرار از ربا منعقد می‌شود، راضی نباشند و فرض و قصد صورت گرفته برای انشاءِ قرارداد، فاقد رضایت باشد به اتفاق و اجماع غیرقابل شک همه‌ی فقها معامله‌ای محکوم به بطلان است.

www.SID.ir

Archive of SID

به عنوان نمونه یکی از حیله‌هایی که غالبا از آن برای تخلص از ربا استفاده می‌شود، ضمّ ضمیمه است. بدین معنی که مثلا شخصی یک میلیون تومان به متقاضی وام پرداخت می‌نماید، ولی در کنار آن یک «شیء» کم ارزش، مثل یک قوطی کبریت را، به قیمت گزافی به او می‌فروشد و سودی که قصد داشته از طریق ربا به دست آورد، بدین وسیله کسب می‌کند. این معامله در صورتی به عنوان یک راه مشروع برای فرار از ربا، قابل قبول در شریعت مقدس اسلام است که کلیه شرایط در آن رعایت گردد؛ اگر شرایط رعایت نشود به عنوان راه مقبول فرار از ربا قابل پذیرش نیست مانند اینکه این معامله اولاً باید مورد قصد معاملی باشد و ثانیاً مورد رضایت طرفین قرارداد باشد و نیز از جهت سایر شرایط نظیر شرط عقلایی بودن و غیرسفیهانه‌بودن قرارداد؛ اگر کسی معامله فوق را به نحوی انجام دهد که غیر عقلایی و سفیهانه تلقی شود مثل اینکه برای ضمیمه، قیمتی در نظر گرفته شود که کاملاً از چارچوب معاملات عقلایی خارج باشد، به طوری‌که برای ضمیمه‌ای مثل یک قوطی کبریت، قیمت یک میلیون یا بیشتر در نظر گرفته شود؛ چنین معامله‌ای عقلایی نبوده و سفیهانه قلمداد می‌شود؛ روشن است که اگر معامله عقلایی نباشد، مشروع نیست؛ چون منظور از «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» عقدهای عقلائیّه متعارفه است، همچنان که منظور از بیع در «أَحَلَّ اللّهُ الْبَيْعَ» معاملات عقلائیّه متعارفه است. نتیجه این که در این نوع معاملات اگر رضایت هم وجود داشته باشد، ولی چون عقلایی نیست، مجاز و مشروع نخواهد بود (مکارم، بی‌تا، ۵۲). در این مثال ملاحظه می‌گردد که معامله به قصد فرار از ربا فقط یک تغییر نام نیست تا افراد تصور کنند که برای شرعی شدن یک معامله تنها تغییر اسم و ظاهر کفایت می‌کند بلکه رعایت شرایط و احکام متعددی لازم است که این امر تنها در صورتی است که افراد از آنها آگاهی و اطلاع لازم و کافی را داشته باشند.

معمولا در معاملاتی که به قصد فرار از ربا صورت می‌گیرد معنا و شرایط انعقاد آن معامله رعایت نمی‌شود و تفاوت کاملاً صوری و ظاهری است و حتی بنابراینکه معاملات به قصد فرار از ربا مشروعیت داشته باشد ، به دلیل سطحی‌بودن آموزش‌ها کاملا به صورت صوری و ظاهری انعقاد می‌یابد و لذا در واقع قراردادی که به راه‌های فرار از ربا از آن یاد می‌شود، در اجرا و عمل به صورتی تحقق می‌یابد که هیچ فقیهی آن را تجویز نمی‌کند؛ هر چند نظر مشهور فقیهان بر این است که قراردادهای موسوم به فرار از ربا صحیح و مشروع است ولی همانطور که اظهار گردید در مقام عمل و اجرا آنچه رخ می‌دهد صحیح و مشروع نیست.

www.SID.ir

Archive of SID

احکام شرعی در زمینه‌ی مسائل اقتصادی دائر مدار اسم و صورت ظاهری نیست این نیست که گرفتن و یا دادن سود در قالب یک اسم حلال باشد و تحت عنوان و اسم دیگری حرام و نامشروع باشد. در ورای اسم و عنوان، حقیقتی نهفته است که باید مورد توجه قرار گیرد و مراعات شود اسم تنها و عنوان خالی نه موجب مشروعیت است و نه اعتباری را ایجاد می‌کند و این مشکل یعنی مشکل صوری‌بودن عملیات بانکی زمانی مورد اجتناب قرار می‌گیرد که آموزش‌ها از سطح ابتدایی و سطحی‌بودن ارتقاء پیدا کند.

آموزش و تحقیقات مناسب در زمینه‌ی احکام شرعی موجب می‌شود تا مصلحتی که در ورای تشریع آن وجود دارد، تحصیل شود و از مفاسدی هم که دور کردن آن مد نظر است جلوگیری شود. احکام شرعی اسلام اگرچه اموری اعتباری است و چنانکه توضیح داده شد، حقیقت آن را فرض و اعتبار تشکیل می‌دهد ولی در حقیقت این فرض‌ها و اعتبارها از امور واقعی و نفس‌الامری برخاسته است. این احکام موجب می-شود تا از مفاسد واقعی جلوگیری شود و مصالح و منافعی نصیب اطاعت کنندگان گردد و بر این اساس است که احکام در شریعت اسلام بر اساس قرائت فقه امامیه و برگرفته از اهل بیت (ع) نبی مکرم اسلام (ص) تابع مصالح و مفاسد قلمداد می‌شود بر خلاف قرائت دیگر که مبتنی بر عدم تابعیت احکام شرعی از مصالح و مفاسد است (جرجانی، ۱۳۲۵، ۳، ۱۸۵؛ تفتازانی، ۱۴۰۹، ۴، ۲۳۴؛ تفتازانی، ۱۴۲۱، ۲۹۸؛ قوشچی، بی‌تا، ۱۶۳).

دسترسی به مصالح و دورشدن از مفاسدی که علت و فلسفه‌ی تشریع احکام را در دین مبین اسلام تشکیل می‌دهد، در صورتی خواهد بود که به آن احکام به صورت دقیق و درست عمل شود. پر واضح است که به دست آوردن مصلحت و دوری از مفسده با تغییر نام، واقع نمی‌شود؛ اگر مثلا در اجتناب از ربا تنها به تغییر اسم اکتفاء شود، هرگز از آن فسادی که از معامله‌ی ربوی به وجود می‌آید جلوگیری نشده و این جلوگیری تنها در صورت رعایت دقیق احکام در این زمینه است.

در اینجا توجه به این نکته لازم است که رعایت در عمل به احکام بر طبق آنچه از شارع مقدس رسیده اگرچه موجب جلب مصلحت و منفعت و دفع مضره و مفسده است ولی معنای آن این نیست که در همه موارد بتوان به صورت آشکار این اثر و نتیجه را دید، بلکه تنها خداوند متعال است که به خاطر علم و آگاهی جامع و کامل به همه‌ی منافع و مفاسد، راه جلب و دفع آن را بدون هیچ احتمال اشتباهی می‌داند و در قالب برنامه‌ای موسوم به دین راه به دست‌آوردن منفعت و دور ماندن از مفسده را در اختیار بشر قرار

www.SID.ir

Archive of SID

می‌دهد. در صورت عدم آگاهی به دین و اهداف شارع مقدس اسلام ممکن است چنین تصور شود احکام و مقررات شرعی تنها یک سری تغییر اسم ظاهری است و با وجود چنین تلقی‌ای افراد به خود اجازه می‌دهند که این تغییر اسم را به هر شکلی انجام دهند و در مقام عمل، خود را مکلف به رعایت کامل ضوابط و دستورات شرعی نمی‌بینند و چون علت تشریع و فلسفه احکام بر همه پوشیده و پنهان است برای رعایت آنچه لازم است، هیچ تلاش مناسبی انجام نمی‌شود. رعایت دقایقی که درعمل به احکام شرعی نیاز است، آن ملاک و علت تشریع را تأمین می‌کند و نباید بی‌اطلاعی از کارکرد آن، موجب تسامح و بی‌توجهی گردد و تصور نمود که احکام شرعی در این رمینه تنها در جهت تغییر یک سری اسم‌ها تنظیم شده و از این رو رعایت آن اهمیتی ندارد.

رعایت دقیق احکام شرعی در امور بانکی بدون آموزش و تحقیقات کامل قابل انجام نخواهد بود و باز نباید تصور شود که آموزش احکام شرعی به معنای اطلاع از نحوه‌ی تأثیر و ورود در فلسفه و علت تشریع است بلکه چون بخش عمدهٔ علت و فلسفه‌ی احکام برای بشر قابل درک نیست لذا آموزش در این زمینه و نیز تلاش‌های پژوهشی، به معنای آگاهی از ریز مسائلی است که باید در عمل مورد توجه قرار گیرد؛ هر چند نتوان از چگونگی تأثیر و تفاوت با صورت عدم رعایت، به درک درستی رسید.

۷- فقدان وجود مبنای ثابت به عنوان جدی‌ترین کاستی

مشکل و چالش جدی در پیش روی پژوهش و آموزش در حوزه‌ی بانکداری اسلامی از فقدان مبنای مستحکم و غیرمتزلزل نشأت می‌گیرد. نتیجه‌های بزرگ و ارزشمند معلول کار و تلاش متوالی و مستمر است. کارهای دوره‌ای و غیرمستمر منتج و اثر بخش نخواهد بود. در مورد سرمایه‌گذاری در پژوهش و آموزش در زمینه بانکداری اسلامی در دوره‌های مختلف به صورت متفاوت عمل می‌شود؛ گاه در یک دوره شاهد تلاش جدی و قابل توجه هستیم ولی در دوره‌ای دیگر مشاهده می‌گردد که کار با بی‌توجهی مواجه بوده و اهمیت لازم به این امر داده نمی‌شود.

در دوره‌های متفاوت و تغییر در سلیقه‌ها موجب می‌شود تا تصمیم‌گیری هم متفاوت باشد. این فراز و نشیب و نوسانات زیاد مانع از به نتیجه‌رسیدن کار است، تلاش‌ها زمانی اثربخش خواهد بود که از یک پیوستگی و توالی برخوردار باشد و تنها در این صورت می‌توان امید اصلاح داشت. اثر بخشی کار آموزش و

www.SID.ir

Archive of SID

تحقیق در مورد این حوزه، منوط است به این که دائمی و همیشگی باشد و موقت‌بودن اقدامات و فراز و فرود زیاد مانع از این است که بانکداری اسلامی به صورت واقعی عملیاتی شود.

بنابراین چون مبنای ثابتی به عنوان اساس کار برای همه دوره‌ها تعریف و تعیین نشده و اصول تغییر ناپذیر در این امر مشخص نشده است لذا با عوض شدن مسؤولین در بخش‌های مختلف، تصمیمات و به تبع آن، اقدامات هم عوض می‌شود.

مشکل دیگری که موجب می‌شود کار، به خصوص در بخش پژوهش و نیز آموزش‌های جدی و ریشه‌ای به نتیجه مطلوب نرسد این است که چون دوره‌ی مسؤولیت‌ها کوتاه است، هر مسؤولی می‌خواهد در زمان مسؤولیت خود او، لزوماً کار به نتیجه برسد، به گونه‌ای که او بتواند در گزارش عملکرد دوران مسؤولیت خویش، آن نتیجه را به ثبت برساند؛ معمول افرادی که تصدی پست و منصبی را می‌نمایند، کمتر حاضر به تصمیم در مورد کاری می‌شوند که نتیجه‌ی آن بعداً ظاهر شود و لذا اقداماتی به انجام می‌رسد که در کوتاه‌ترین زمان به نتیجه برسد. کارها با عجله‌ی هر چه بیشتر صورت گرفته و از تصمیم‌گیری در مورد کارهای بلند مدت اجتناب به عمل می‌آید.

تصمیمات اساسی و به خصوص در آنچه مربوط به دین و احکام شرعی می‌شود، نباید تابع و وابسته به شرایط سیاسی بوده و با تغییر شرایط سیاسی تغییر کند. استقلال و عدم وابستگی به شرایط سیاسی شرط بسیار مهمی است که در صورت فقدان آن، انتظار به نتیجه‌رسیدن انتظاری نابجا و دست نایافتنی است. از بانکداری اسلامی نباید تنها به عنوان شعار و ابزاری برای رأی‌آوردن و به قدرت رسیدن استفاده کرد بلکه باید مسائل این بخش به گونه‌ای تعریف شود که به عنوان خط و مشی کلی نظام مطرح باشد و افراد و گروه‌هایی که به قدرت می‌رسند، نتوانند تغییر اساسی در آن ایجاد کنند؛ بلکه اگر هم نیاز به تغییراتی بود این تغییرات باید در راستای اجرایی‌ترشدن و بهتر پیاده‌شدن باشد.

به علاوه اینکه بسیار دیده می‌شود که تصمیمات در این زمینه از روی احساسات گرفته می‌شود و چون احساسات موقت و غیر مستقر است قهرا خالی از دوام و ثبات لازم است و این امر نیز علامت دیگری است که فقدان مبنای ثابت را در این جهت نشان می‌دهد؛ به خاطر وجود شرایط احساسی در برخی دوره‌ها، شاهد جدیت زایدالوصفی در مورد اجرای عملیات بانکی بر پایه و اساس اسلام هستیم ولی همین که دوره مزبور سپری می‌گردد خبری از آن سخنان با آن جدیت و حرارت نیست. احساسات اگرچه در مواقعی لازم است ولی اگر مبنای ثابتی وجود نداشته باشد این تلقی را در ذهن‌ها شکل می‌دهد که بحث‌ها و تصمیمات

www.SID.ir

Archive of SID

مطرح شده در آن فضای پر احساس، برای عمل و اجراء نیست و اگر هم منشاء تغییراتی شود، این تغییرات به سرعت جا به جا می‌شود و به این ترتیب چه بسا به جای مفید بودن، مضر و آسیب‌زننده باشد که از جمله ضررهایی که موجب می‌شود این است که محیط و فضای اقتصادی را ناامن و متزلزل می‌سازد و این امر، آسیب فراوانی را به این بخش وارد می‌کند.

در نظریات مطرح شده از سوی کارشناسان توسعه، تزلزل و بی‌قراری به عنوان یکی از نشانه‌های توسعه‌نیافتگی قلمداد شده و به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در باقی‌ماندن کشورها در عقب ماندگی و توسعه نیافتگی معرفی می‌گردد (جیروند، ۱۳۶۶، ۱۵).

برای نمونه در برخی دوره‌ها سخنان پر حرارتی در مورد حذف و یا به حداقل رساندن نرخ بهره مطرح می‌شود و به عنوان مهمترین و تغییرناپذیرترین تصمیم مطرح می‌شود ولی بعد از مدتی که شرایط احساسی برای رسیدن به اهداف دینی عوض می‌شود، سخن از لزوم واقعی کردن نرخ بهره به میان می‌آید و اینکه باید نرخ بهره به صورتی انعطاف پذیر و هماهنگ با سیاست ها و اهداف اقتصادی قابل تغییر و تأثیرگذار تعریف شود. در یک زمان که تب احساسات بالاست با الهام از دستورات شرعی، نرخ بهره به عنوان آسیب-زننده‌ترین عامل مطرح می‌شود که باید در تلاش بود تا آن را از بین ببرد ولی در زمانی دیگر که تب احساسات فروکش می‌کند نگاه ها نسبت به آن به گونه‌ای تغییر می‌کند که نه این که از آن به عنوان عامل منفی یاد نشده بلکه برعکس از آن به عنوان نرم کننده چرخه‌ی اقتصادی تعبیر می‌شود به طوری که اظهار می‌گردد بدون نرخ بهره ی واقعی امکان دست یابی به هیچ هدفی وجود ندارد.

این در حالی است که مسائل و احکام شرعی چنانکه در روایاتی که در بالا از نظر گذشت، مورد تصریح قرار گرفت بسیار دقیق و ظریف است و نیاز است در مورد آن کار جدی و بلند مدت صورت گیرد. اصلاح بخش بانکداری و هماهنگ‌کردن آن با موازین شریعت مقدس اسلام کاری است که باید در یک مدت طولانی و بدون پرهیز از عجله انجام شود؛ از گرایش‌های سلیقه‌ای باید دوری گزید و یکسری اصول و مبنای واحدی را در بخش پژوهش و آموزش، ملاک عمل قرار داد. سپردن اقدامات این حوزه به احساسات و سلیقه‌ها اشتباهی فاحش بوده و مانع از به نتیجه‌رسیدن می‌باشد.

۸- نتیجه

بانک‌ها و درست بودن عملیات بانکی از چنان اهمیتی برخوردار است که اگر گفته شود اسلامی شدن و مشروع عمل کردن تمام بخش‌ها در کشور منوط و وابسته به آن است، سخن و ادعای گزافی نیست. از

www.SID.ir

Archive of SID

این‌رو می‌بایست متناسب با میزان اهمیت و نقش کلیدی‌ای که برای آن است، توجه درخور و جدی‌ای نسبت به حوزه‌ی بانکداری مبذول داشت. از روایاتی که از پیشوایان دین به ما رسیده معلوم می‌گردد که مقررات مربوط به این حوزه بسیار ظریف و دقیق بوده و لذا کار پژوهش و آموزش در مورد آن باید با توجه و صرف وقت کامل صورت گیرد. تلاش‌های صورت گرفته هر چند قابل تقدیر است ولی با کاستی‌های جدی مواجه است؛ کاستی‌هایی چون سطحی و غیرریشه‌ای بودن اقدامات آموزشی و پژوهشی، صوری‌بودن فعالیت ها، شتاب و عجله برای رسیدن به نتیجه زود هنگام، تصمیم به انجام کارهای زود بازده و پرهیز از تلاش‌هاای که در بلندمدت به بار می‌نشیند که این همه، آفاتی است که چرخه گردش بانکداری اسلامی را با کندی مواجه ساخته و مانع پیشرفت می‌گردد . مشکلات فوق معلول چند عامل است که برخی از آن عبارت است از :

۱- فقدان مبنای واحد و عدم تعریف و تعیین اصول و چارچوبی که در طول دوره‌های مختلف کمتر دستخوش تغییر قرار گیرد

۲- عجله و شتاب مسؤولین این بخش واینکه معمولاً در صدد قرار می‌گیرند تا دست به اقداماتی زده شود که نتیجه‌ی آن در گزارش عملکرد پایان دوره‌ی آنها قرار گیرد

۳- عدم فرهنگ‌سازی مناسب برای اهمیت دادن به کارهای ریشه ای و دیر بازده

۴- نگاه احساساتی و غیر ریشه‌ای و اجازه بی حد و مرز به تأثیرگذاری احساسات

۵- تبعیت اقتصاد و به خصوص افتصاد اسلامی از سیاست وحاکمیت فضای سیاسی که در دوره‌های مختلف تغییر می‌کند بر عملکرد بانک‌ها

این عوامل در کنار سختی و نیازمندی به دقت در مورد مقررات شرعی موجب گردید که آموزش و پژوهش در این عرصه با مشکلات جدی روبرو گردد؛ بنابراین با رفع مشکلات بالا می‌توان کاستی‌هایی موجود در این زمینه را مرتفع نمود و با آموزشی عمیق و مستمر عقود و قراردادهای بانکی را از مشکل صوری‌بودن خارج نمود؛ آموزشی بر پایه آخرین تحقیقات و همگام با شرایط جدیدی که عملیات بانکی با آن مواجه می‌شود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.

www.SID.ir

Archive of SID

۲. آقانظری، حسن، (۱۳۸۶)، نظریه‌پردازی اقتصاد اسلامی، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت، قم.
۳. آهنگران، محمدرسول، (۱۳۹۲)، نگاهی نوین به قاعده تبعیت عقد از قصد با تأکید بر کاربردهای آن در بانکداری اسلامی، فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره نهم، ۱۷۷–۱۵۸.
۴. انصاری، مرتضی، (۱۳۷۳)، صراط النجاه، انتشارات باقری، قم.
۵. بجنوردی، سید حسن موسوی، (۱۴۱۹)،القواعد الفقهیه، انتشارات مؤسسه الهادی، قم.
۶. تفتازانی، مسعود سعدالدین، (۱۴۰۹)، شرح المقاصد، انتشارات عالم الکتب، بیروت.
۷. تفتازانی، مسعود سعدالدین، (۱۴۲۱)، شرح العقائد النسفیه، انتشارات المکتبه الزهریه، مصر.
۸. حرعاملی ، محمد، (۱۳۶۹)، وسائل الشیعه، انتشارات مؤسسه آل البیت، قم.
۹. جرجانی، علی، (۱۳۲۵)، شرح‌المواقف، انتشارات السعاده، مصر.
۱۰. جوهری، إسماعیل بن حماد، (بی‌تا) ،الصحاح تاج اللغه وصحاح العربیه، تحقیق أحمد عبد الغفور عطار، انتشارات دار العلم للملایین، لبنان.
۱۱. جیروند، عبدالله، (۱۳۶۶)، توسعه اقتصادی، انتشارات مولوی، تهران.
۱۲. خمینی(امام)، روح الله، (۱۳۸۰)، تحریر الوسیله، انتشارات دار العلم، قم.
۱۳. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۳۶۹)، اجود التقریرات، موسسه مطبوعات دینی، قم.
۱۴. خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰)، منهاج الصالحین، انتشارات مهر، قم.
۱۵. خوئی سید ابوالقاسم، (۱۴۱۲)، المسائل المنتخبه العبادات و المعاملات، انتشارات مهر قم.
۱۶. خویی، سید محمدتقی، (۱۴۱۴)، الشروط أو الالتزامات التبعیه فی العقود، دار المورخ العربی، بیروت.
۱۷. خمینی، سید روح‌اللّه موسوی، (۱۳۷۹)، کتاب البیع، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم، چاپ اول.
۱۸. سیزده دانشمند و اقتصاددان مسلمان، (۱۳۷۵)، مباحثی در اقتصاد خرد– نگرش اسلامی، ترجمه حسین صادقی، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۱۹. طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم، (۱۴۱۴)، العروه الوثقی، انتشارات مهر، قم.
۲۰. طوسی، محمد، (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم.
۲۱. عاملی، حسن، (۱۴۱۴)، معالم الاصول، انتشارات اسماعیلیان، قم.
۲۲. عراقی، آقاضیاء الدین، (۱۴۲۱)، حاشیه المکاسب، انتشارات غفور، قم.

www.SID.ir

Archive of SID

۲۳. فروند، ژولین، (۱۳۷۷)، نظریه‌های مربوط به علوم انسانی، ترجمه علی محمد کاردان، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران.

۲۴. فیروز آبادی ، مجد الدین، (بی‌تا)، القاموس المحیط، انتشارات التراث العربی، بیروت.

۲۵. علی بن محمد، (بی‌تا)، شرح تجرید العقائد، انتشارات رضی، بیدار، عزیزی، قم.

۲۶. مومن، محمد، (۱۴۱۹)، تسدید الاصول، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم.

۲۷. مکارم، ناصر، (۱۴۱۱)، القواعد الفقهیه، انتشارات مدرسه امام امیر المؤمنین (ع)، قم

۲۸. مکارم، ناصر، (بی‌تا)، بررسی طرق فرار از ربا، انتشارات مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع)، قم.

۲۹. میرمعزی، حسین، (۱۳۸۶)، روش فلسفه اقتصاد اسلامی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۷، ۶۵-۴۵.

۳۰. نوری ، حسین، (۱۳۷۹)، مستدرک الوسائل، آل البیت، قم.

۳۱. یادی‌پور، مهدی، (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای بر حقوق و اقتصاد، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، تهران.

www.SID.ir